



سام قندچی

از عید قربان تا مبارزه با بدحجابی

28 سال از عمر رژیم جمهوری اسلامی گذشته است و هنوز اپوزیسیون ایران درک روشنی از این رژیم ندارد. نگاهی به مطبوعات مخالفین حکومت درباره مبارزه با بدحجابی در ایران که هم اکنون در جریان است بهترین اثبات این مدعیان است. مردم عادی کوچه و بازار بهتر از همه مخالفین از این رویداد تحلیل دارند. مردم به سادگی میگویند که دوباره تابستان شد و مبارزه با بدحجابی شروع شد. یعنی همانگونه وقتی محرم میشود دسته های سینه زنی به راه میافتند، تابستان هم که میشود دسته های مبارزه با بدحجابی راهی خیابان میشوند. البته مراسم دوم بر مبنای تقویم شمسی است و قدمتش به رژیم جمهوری اسلامی میرسد. جالب است که مردم عادی آنتراتیو در برابر این مراسم سالیانه رژیم اسلامی را سالهاست که به وجود آورده اند و آنهم مراسم روز ولنتاین یا روز عشاق است که همه ساله در روز 14 فوریه به تقلید از غرب در داخل ایران رایج شده است و با وجود خشم ملایان، مردم دست از برگزاری آن بر نمیدارند و هر سال بر شکوهش افزوده اند.

منظورم چیست وقتی از اصطلاح مراسم یا شعائر و امثالهم برای مبارزه با بدحجابی استفاده میکنم؟ منظور من این است که عده ای از اپوزیسیون دنبال این بحث است که آیا قانون جمهوری اسلامی چنین چیزی را حکم میکند؟ عده دیگری میپرسند که آیا اسلام حجاب را تجویز میکند یا نه؟ یک عده دیگر هم متعجب هستند که چرا مثلاً مجازات قطع دست آنقدر اجرا نمیشود ولی به مبارزه با بدحجابی عمل میشود و علت آنرا ولایت فقیه میدانند و اینکه گویا چون ولایت فقیه نمیتواند حکومت فقهی را پیاده کند مجبور است این مبارزه با بدحجابی را بشکل سمبلیک جایگزین آن کند تا به حکومت فقهی اش به شکل صوری وفادار بماند. گویی منادیان حکومت فقهی در تاریخ همواره فکر کرده اند قادرند اهداف الهی مجازات های تجویزی خود را کسب کنند و مثلاً با قطع دست به سرقت و دزدی در جامعه پایان دهند. حتی در اروپا در اوج حکومت تنوکراتیک در شهر رم در سال 1600 وقتی جوردانو برونو را به حکم ارتداد آتش زدند در قلمروز کلیسایی کاتولیک اوج فساد و دزدی همه جا گیر بود و به همین علت دسته های شلاق زن که نظیر سینه زنان شیعه امروز خود را شلاق میزدند وارد میدان میشدند و همه جمعیت شلاق زن طلب استغفار از گناهان خود داشتند و در چنین فضائی است که رهبران مذهبی با مشارکت مردم جوردانو برونو را بخاطر ارتداد آتش زدند.

به عبارت دیگر همه این شعائر از خود شلاق زنی مؤمنان تا آتش زدن مرتدان شراکت *مردم* در شعائر و مراسم مذهبی است نه به این خاطر که رهبران دولت مذهبی نمیتوانند دیگر احکام خود را در اجرای عدالت جامه عمل ببوشانند بلکه چون آن شعائری که میتوانند هنوز با مشارکت مردم انجام دهند همین ها است. و وقتی دیگر آتش زدن مرتدان یا مراسم شلاق زنی در اروپا غیر قابل قبول شد و نمیتوانست جمعیت مؤمنان را جلب کند، روحانیون کاتولیک هم از آن مراسم دست کشیدند و شعائر دیگری نظیر طلب مغفرت در کلیسا نزد کشیشان را که کماکان از مشارکت و احترام مردم برخوردار بود، ادامه دادند. به همین سادگی. در نتیجه جمهوری اسلامی هم چه ولایت فقیهی باشد و چه نباشد، شعائری را که برای اهداف این رژیم تنوکراتیک مفید بداند و بتواند مشارکت مردم را در انجام آنها کسب کند، ادامه خواهد داد.

البته بگذریم کسانی که مسأله را فقط بخاطر ولایت فقیهی بودن جمهوری اسلامی مبینند این رژیم را با اصطلاح رژیمی سلطانی نوعی به تصویر میکشند که گویی از رژیم ناصرالدین شاه قاجار سخن میگویند و افراموش میکنند که اگر برای رژیم ناصرالدین شاهی اجرای عید قربان با قساوت فروبردن نی در گلوی شتر در وسط میدان شهر بخشی از شعائر لازم برای مشارکت روحانیون در حاکمیت آنها بود، برای این رژیم چنین مراسمی از عید قربان تا مبارزه با بدحجابی مبنای مشارکت مردم با حکومت یا به عبارت دیگر شعائر اسلامی مبنای مشروعیت این رژیم است و بیخود نبود که خمینی میگفت

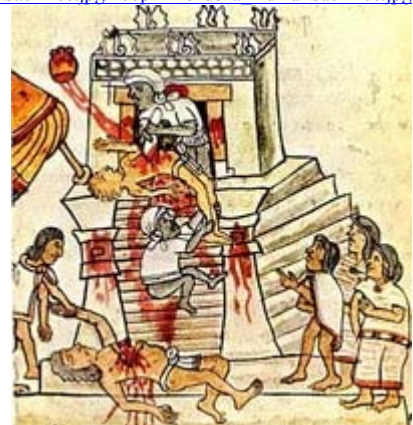
اسلام وي به عاشورا و تاسوعا زنده است و به همین علت هم من در گذشته نوشتم که نافرمانی مدنی در ایران یعنی غیر اسلامی کردن جامعه [http://www.ghandchi.com/370-disobedience.htm].

اجازه دهید به موضوعی کاملاً دورتر از مبارزه با بدحجابی که در جامعه ایران و جوامع دیگر اسلامی عادی و مرسوم است یعنی مراسم عید قربان دقیق تر نگاه کنیم. اکثر جوامع بشر و بویژه جوامعی که در آنها مذاهب ابراهیمی رایج هستند مراسم مشابهی داشته اند هرچند امروز مراسم قربانی در میان یهودیان و مسیحیان اساساً برچیده شده و متأسفانه فقط در میان مسلمانان چنین مراسمی که جلوی بچه کوچک هر سال گوسفند میکشند نه تنها مرسوم است بلکه عید قربان حتی بزرگترین عید اکثر این کشورها محسوب میشود. خوشبختانه در ایران عید اصلی مردم نوروز است و نه عید قربان و بعد از 28 سال هنوز جمهوری اسلامی نتوانسته این واقعیت را عوض کند.

برخی محققین معاصر اسطوره های بشر معتقدند مراسم قربانی کردن حیوانات در واقع بیان کوشش بشر برای راحت کردن وجدان خود در برابر احساس گناه در کشتن حیوانات است، کشتنی که برای تغذیه خود انجام میداده است. به این طریق هر سال مثلاً گوسفندی را قربانی میکردند، با هدیه کردن بهترین گوسفند خود به خدائی که مالک این طبیعت است هماهنگی atonement مجدد با طبیعت را جستجو میکردند. بشر امروز برای تقلیل اینگونه عذاب وجدان بیشتر و بیشتر سعی کرده است که به حیوانات وحشیانه برخورد نکند و حتی سلاخی بدون درد باشد و به دنبال راه های ساختن آلترناتیو گوشت از طریق علم شیمی است. به همین علت در جوامع مدرن اینگونه مراسم قربانی کردن حیوانات بیشتر و بیشتر از بین رفته است. البته میدانیم که در برخی جوامع عهد عتیق حتی مراسم قربانی کردن انسان رواج داشته است نظیر قربانی کردن بچه اول و یا قربانی کردن دختر باکره که گویی به خدا اینگونه هدایا برای محفوظ ماندن از بلایای طبیعت، داده میشده است. حتی از خود قربانی مشارکت میخواستند که افتخار کند که قربانی برای این هدف "والای" مؤبدان است. در نتیجه در آن جوامع که بلایا نتیجه گناه بشر فرض میشد به اینصورت که بهترین کودک خود را به خدایان تقدیم میکردند امیدوار بودند از بلیات در طبیعت حفاظت شوند. به همین علت هم حتی بعدها در داستان عیسی مسیح وی که بهترین فرزند ابنای بشر خوانده میشود قربانی میشود برای گناهان بشر تا که بشریت را نجات دهد. در داستان مسلمانان هم درباره ابراهیم میاید که او حاضر است فرزند خود را برای خدا قربانی کند ولی خدا بجای آن گوسفند را میپذیرد.

آیا وقتی قربانی کردن انسان از شعائر یک مذهب باشد، میتوان گفت که تحت عنوان احترام به مذهب دیگران بایستی به اینگونه شعائر مذهبی احترام گذاشت و اگر انبوهی از مردم در آن شعائر شرکت کنند آیا بایستی چنین اعمال وحشیانه مذهبی را مشروع قلمداد کرد؟

http://upload.wikimedia.org/wikipedia/en/thumb/1/16/Mendoza_HumanSacrifice.jpg/200px-Mendoza_HumanSacrifice.jpg



به هر حال همه اینگونه مراسم قربانی که نوعی کشمکش انسان با خطاها و گناهان خود است در اینگونه مذاهب به ارث رسیده از اعصاری است که بیش از هزار سال از آنها گذشته است زمانهایی که اینگونه نگرشها برای بشریت قابل قبول

بوده است. مجسم کنید که امروز پدری با فرزند خود نظیر ابراهیم رفتار کند و بگوید بخاطر دستور خدای خود چاقو بر گردنش گذاشته است، درباره چنین پدری چه خواهیم گفت؟ اگر اصلاح طلبان مسیحی و یهودی قرن هاست که این چنین مراسم قربانی را به کنار گذاشته اند اصلاح طلبان مسلمان حتی از نقد اعیاد انجمنی حرفی هم نمی‌زنند و در پی چانه زدن با اقتدارگرایان برای لطف آنها در تخفیف مبارزه با بدحجابی اند. در بعضی جوامع اسلامی نظیر پاکستان یا در میان هندی های مسلمان خود فرد مسلمان بایستی چاقو را بر گردن گوسفند بگذارد و برخی خانمها یا آقایان مسلمان آن کشورها که در غرب زندگی میکنند که طاقش را ندارند میروند یک مزرعه و دست خود را روی چاقوی سلاخ میگذارند و آیه قران میخوانند وقتی که سلاخ اصل کشتن را انجام میدهد. در ایران خوشبختانه سالهاست که در شهرها خود مردم این کار را به سلاخ ها سپرده اند هر چند هنوز در خانه خود و مقابل چشمان کودکان که مراسم قربانی و دست و پا زدن گوسفندان را شاهد است، انجام میدهند.

شعائر مذهبی نظیر قمه زنی و سینه زنی در میان شیعیان حتی پس از قرن ها هنوز به اندازه عید قربان همه جا گیر نیست. مراسم نظیر مبارزه با بدحجابی که توسط رژیم جمهوری اسلامی ترویج میشوند نیز آنقدر نتوانسته اند همه جا گیر شوند ولی این شعائر کارهایی است که رژیم را مشروعیت میبخشند. رژیم سعی کرد همجنسگرایان که حتی آیت الله بروجردی فتوا برای پرتابشان از سخره میدهد را در ملاء عام بکشد و یا زنان را در مراسمی با مشارکت مردم سنگسار کند و یا در ملاء عام برای روزه نگرفتن شلاق بزند و یا مرتد کشتی کند. ولیکن گویا مبارزه با بدحجابی چیزی است که راحت تر میشود مشارکت عمومی برای آن کسب کرد و باینگونه زنان که نیروئی فزاینده در جامعه ایران هستند را مانند بردگان چندگاهی بیشتر مورد اهانت نگهداشت و در نتیجه این مراسم حتی بیش از مقابله با ریش تراشیدن مردان دنبال شده است.

به هر حال آنچه مهم است محکوم کردن و احترام نگذاشتن به همه شعائر مذهبی وحشیانه است و جایگزینی آنها با مراسم متمدنانه و اینچنین مشروعیت این رژیم از بین خواهد رفت. مردم ایران خوب تشخیص داده اند که برای ایجاد پادشاه مبارزه با بدحجابی جشن گرفتن روز ولنتاین را برگزیده اند. ایکاش اصلاح طلبان اسلامی هم بجای توجیه شعائر وحشیانه و بسنده کردن به نقد از ولایت فقیه، خود این شعائر و وجود حکومت اسلامی را زیر سؤال ببرند. اگر برای حجاب بشود به بحث فقهی و بستگی داشتن به زمان متوسل شد، عید قربان را نمیشود گفت که مسأله فقهی است و به زمان بستگی دارد ولی بایستی به مردم گفت که عید گرفتن با مراسم سلاخی گوسفند در مقابل چشمان کودکان غلط است و چنین شعائر وحشیانه و خشونت بار با هر توجیه مذهبی در دنیای امروز نبایستی محترم شمرده شوند و جایی ندارند. بله احترام به عقاید مردم نمیتواند بمعنی قبول کشتن دختر باکره باشد حتی اگر چنان مذهبی میلیون ها نفر طرفدار داشته باشد. اگر اصلاح طلبان مذهبی در برابر ملایانی که نافیان اجرای چنین شعائر دوران بربریت را تکفیر میکنند نایستند، چگونه میتوانند خود را اصلاح طلب بنامند.

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

26 اردیبهشت 1386

May 16, 2007

مطالب مرتبط به زبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/437-GeographyEng.htm>
<http://www.ghandchi.com/370-disobedienceEng.htm>

مطلب مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/370-disobedience.htm>

مقالات تنوريك

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>